

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۰۱۹۸۰۵۴۴ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۲۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم
تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۱۰ بهمن ۱۴۰۱ • ۸ رجب ۱۴۴۴ • ۳۰ ژانویه ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۴۸۵ • ۱۲ صفحه
اذان ظهرتهران ۱۲:۱۸ • اذان مغرب ۱۷:۴۸
اذان صبح فردا ۵:۳۹ • طلوع آفتاب ۷:۰۶

شرق

دیالوگ روز

اگه می تونی منو بگیر- استیون اسپیلبرگ - ۲۰۰۲

کریستوفر واکن (فرنک آباکنیل):

دو موش کوچک توی یک سطل خامه گیر افتادن، اولی زود تسلیم شد و غرق شد.

دومی ول نمی‌کرد. این قدر تقلا کرد تا خامه رو تبدیل به کره کرد و بیرون اومد.

آقا، در این لحظه، من اون موش دومم.

اقتصادخوانی

مرگ تدریجی یک رویا

مشکلات بازی‌های ویدئویی هم برای گیمرها مصیبت‌های زیادی به بار آورده و هم صنعت بازی‌سازی و توسعه آن را به خطر انداخته و این اتفاقات از آثار منفی فیلترینگ گوگل‌پلی و اختلالات اینترنتی در صنعت بازی‌سازی است. حتما لازم نیست یک گیمر حرفه‌ای باشد تا مشکلات این روزهای این قشر را تجربه کند. کافی است برای سرگرمی و گذران وقت، در طول روز با یک بازی آنلاین سرکوله بزیند تا مشکلات اجرای این بازی‌ها را احساس کند. از زمانی که اختلال‌های اینترنتی آغاز شده و فیلترینگ گوگل‌پلی رخ داده است، بازی‌های موبایلی که در دو سال اخیر جایگه ویژه‌ای در بین مردم پیدا کرده‌اند، ضربه بزرگی در ایران دیده‌اند. بازی با کنسول‌ها و پی‌سی و تجربه یک رقابت آنلاین بدون مشکل نیز تقریبا به رویایی محال تبدیل شده است. بازی‌سازان باور دارند شرایط پیش‌آمده، آن‌هم درست پس از روزهای شیوع کرونا که در آن صنعت ویدئوگیم در کشور پیشرفت محسوسی کرده، یک تیر خلاص به وضعیت این صنعت در ایران است. آنها معتقدند این گلوله شلیک‌شده به آرامی به سمت قلب این صنعت در حال حرکت است و رویای بزرگ بازی‌سازان ایرانی را نقش بر آب کرده است.

«ابوالفضل صادق»، رئیس کمیسیون بازی و سرگرمی نصر تهران، در پاسخ به این پرسش که گیمرها درحال حاضر چه مشکلاتی را تجربه می‌کنند؟ با تأکید بر اینکه بسیاری از بازی‌های محبوب گیمرها در ایران یا فیلتر هستند یا گیمرها را تحریم کرده‌اند، به لزوم استفاده از ابزارهایی مثل فیلترشکن برای گیمرها اشاره کرد و گفت: «این اختلال امان گیمرها را بریده و تفریح جوانان را نابود کرده است. از طرف دیگر، گیمرها تریبونی ندارند که این مشکلات را رسانه‌ای کنند و بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای نیز نتوانسته است حمایت درستی از این قشر در شرایط پیش‌آمده فعلی داشته باشد». صادق با اشاره به ایام شیوع کرونا و توسعه بیش‌ازحد بازی‌های ویدئویی که نتوانسته‌اند در این دوران نقش بسزایی در سرگرم نگه‌داشتن مردم قرنطینه‌شده در خانه‌هایشان داشته باشند، گفت: «حالا این صنعت دیگر آن مسیر رشد را طی نمی‌کند و بیشترین حملات را دریافت می‌کند. این موضوع در حالی رخ می‌دهد که بازی‌ها بخشی از زندگی و هویت نسل جوان و نوجوانان شده است و نمی‌توان سرگرمی را از آنها گرفت». صادق باور دارد بازی‌سازان ایرانی که تا به امروز در ایران مانده‌اند و همچنان در حال توسعه بازی هستند، جزء کارآفرینانی هستند که عقیده دارند باید ماند و کشور را ساخت.

صادق در پاسخ به این سؤال که گیمنت‌ها و گیمرهای بازی‌های برخط (آنلاین) با چه مشکلی مواجه هستند؟ تأکید دارد استودیوهای بازی‌سازی که سرورها را به داخل ایران منتقل کردند هم با مشکل و اختلال مواجه هستند، چه برسد به اجرای این بازی‌ها که روی سرورهای خارجی و فیلترشده قرار دارد: «گیمنت دیگر چه سرویسی دارد تا ارائه دهد؟ مشاهده‌ات میدانی ما نشان می‌دهد این صنف با ریزش شدید مشتریان و افت درآمد شدیدی همراه شده است». به نظر می‌رسد بسیاری از گیمنت‌های کشور با شرایط پیش‌آمده در حال تعطیلی هستند. «محمد زهتابی»، مدیرعامل استودیو بازی‌سازی پاییزان و عضو کمیسیون بازی‌های رایانه‌ای نیز با اشاره به این موضوع که بحث فیلترینگ بسیار ناگهانی رخ داده است و ادامه آن نیز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد، تأکید کرد شرایط به سمتی پیش رفته است که نمی‌توان برای کسب‌وکارها برنامه‌ریزی کرد.

او با اشاره به فیلترینگ گوگل‌پلی گفت رفع فیلتر چندساعته‌ای پلنفرم خیر خوبی برای فعالان گیوم بود اما درحال حاضر و با فیلترماندن این پلنفرم، ضربه بدی به بازی‌سازان وارد شده است: «می‌گویند سیاست این است که برای جلوگیری از ضربه‌خوردن سرویس‌های مختلف، سرورهای خود را به داخل مهاجرت دهند و فقط از سرویس‌های ایرانی استفاده کنند. این در حالی است که باید دقت کرد تعداد قابل‌توجهی از این سرویس‌ها اساسا نسخه ایرانی ندارند و اصلا به‌صرفه نیست که کسی نسخه ایرانی این ابزارها را پیاده‌سازی کند. بسیاری از این ابزارها وقتی کار می‌کنند که به شبکه جهانی متصل باشند». او همچنین تأکید دارد خیلی از بازی‌سازها صادرات جدی دارند و انتقال سرورها به داخل راه‌حل مناسبی نیست: «این تصمیم دوسویه در شرایطی است که اگر به داخل مهاجرت کنند، امکان صادرات را از دست خواهند داد و اگر هم سرورها خارج از ایران بماند، کاربران داخلی از دست خواهند رفت. در حقیقت این یک دوراهی بین بد و بدتر است». زهتابی تأکید دارد در چند ماه اخیر امکان توسعه بازی‌های ویدئویی وجود نداشته است، چراکه دانما باید به مشکلات کاربران رسیدگی می‌شد. او با اشاره به وضعیت کشور ترکیه که در همسایگی ایران قرار دارد، آن را قطب بازی‌سازی و با جذب سرمایه‌های بالا معرفی کرد: «این در حالی است که ما در ایران حوزه بازی را بسیار زودتر از ترکیه شروع کرده و در آن پیشرو بودیم».

دیالوگ روز

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۰۱۹۸۰۵۴۴ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۲۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم
تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۱۰ بهمن ۱۴۰۱ • ۸ رجب ۱۴۴۴ • ۳۰ ژانویه ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۴۸۵ • ۱۲ صفحه
اذان ظهرتهران ۱۲:۱۸ • اذان مغرب ۱۷:۴۸
اذان صبح فردا ۵:۳۹ • طلوع آفتاب ۷:۰۶

شجاع باشید و سربلند بمانید



قادر باستانی

پژوهشگر علوم ارتباطات و رسانه

بحث اغلب محافل سیاسی‌کشور، خیر عجیب تشکیل هیئت هفت‌نفره برای فروش اموال مازاد دولت است. در مجلس هم اجازه ندادند نماینده درباره آن تذکر دهد. عجیب‌تر آنکه گفته شده برای فرهنگ‌سازی و جلب مشارکت عمومی، تا یک درصد عواید حاصل از مولدسازی دارایی‌ها، در رسانه‌ها ازجمله صداوسیما و سایر ابزارهای اطلاع‌رسانی هزینه شود. یک درصد ۱۰۸ هزار میلیارد تومان عواید مولدسازی، عدد بسیار بزرگی می‌شود که در تاریخ رسانه‌ای کشورمان، چنین عددی تاکنون ثبت نشده است؛ پیش از هزار میلیارد تومان! پول‌باشی برای همراه‌کردن رسانه‌ها و سکوت افکار عمومی در برابر ویژه‌خواری، قدمتی به تاریخ پدیدارشدن رسانه در کشورمان دارد. به طور معمول هم جواب‌عکس می‌دهد؛ چراکه آزادی‌روزنامه‌نگاران این سرزمین فراتر از آن است که ببینند و ساکت بمانند. آنچه دیدیم پول‌هایی صرف می‌کنند، اما این پول‌ها نصیب فریکارانی می‌شود که عنوان رسانه را پدک می‌کشند و نسبتی با افکار عمومی ندارند. البته چون شفافیتی وجود ندارد، غالب چنین بودجه‌هایی، صرف حریف‌ومیل برخی مدیران هم می‌شود. پول‌باشی برای همراه‌کردن رسانه‌ها و سکوت افکار عمومی در برابر ویژه‌خواری، قدمتی به تاریخ پدیدارشدن رسانه در کشورمان دارد. در رسانه‌های کشور، مخصوصا در رسانه ملی، به بحث و مذاقه گذاشته می‌شد و مخالفان و موافقان حرف می‌زدند تا نتیجه حاصله با همراهی افکار عمومی بتواند به مرحله اجرا برسد و نتیجه‌ای در برداشته باشد. سابقه چنین واگذاری‌هایی، غالبا تلخ و مشحون از فساد و بی‌تدبیری است. هم‌اکنون دو رئیس قبلی سازمان خصوصی‌سازی در زندان به سر می‌برند و دادن این همه اختیارات، معاف از پیگرد قانونی و امتیاز متوقف‌کردن قوانین جاری، لازم است مورد توجه جدی روزنامه‌نگاران آزاده و شجاع کشور باشد.

به یاد دارم در جلسه معارفه دانشجویان روزنامه‌نگاری، زمانی که بهمن ۶۸ وارد دانشگاه علامه شدم، زنده‌یاد حسین قندی، استاد رشته روزنامه‌نگاری، گفت شما باید عاشق باشید، چون شغلی را انتخاب کرده‌اید که معمولا به سن بازنستگی نمی‌رسد. روزنامه‌نگار، زبان مردم و در ستیز ابدی با اصحاب قدرت است. ما روزنامه‌نگاران ایران، میراث‌دار جهانگیرخان صوراسرافیل‌ها و ملک‌المتکلمین‌ها هستیم که در راه آزادی و مشروطیت، گلوشان به دست استبداد قاجار دریده شد. فرزندان محمد مسعودها و فرخی‌یزدی‌ها هستیم که در دوران استبداد سیاه پهلوی، با شرافت جان‌شان را فدای مردم کردند.

برایم جالب است، اکنون حتی روزنامه‌نگارانی که بنا به ضرورت در رسانه‌های دولت‌ساخته مشغول فعالیت هستند، به همان میزانی که می‌توانند، با شرافت حرف مردم را می‌زنند و تسلیم محض نمی‌شوند. در اخبار رسانه ملی و خبرگزاری‌ها و برخی روزنامه‌ها، این قلم‌های آزاده را مشاهده می‌کنیم. اما پرچمدار این عرصه، روزنامه‌نگاران شجاع در رسانه‌های مستقل هستند که با دلی بُرِخون و درد، اما با لبی خندان و غزمی استوار، صدای مردماند و برای مردم قلم می‌زنند. ميثاق ما قانون اساسی است که پایه آن بر گوهر آزادی و خواست ملت استوار شده و پشتیبان و حامی،

همین مردم شریف، نجیب و قدردان هستند.

ما روزنامه‌نگاران، از یک طرف تحت فشار برخی رسانه‌های ضدانقلاب خارج از کشور هستیم که بازیچه سرویس‌ها و احزاب و اشخاص شده‌اند و سعی بر رخنه در افکار عمومی دارند و در داخل کشور هم مواجه با محدودیت‌های فزاینده‌ای که هر دولتی می‌آید، دوست دارد رسانه‌ها، نقش بوق تبلیغاتی برایش ایفا کنند. آنها قدر موهبت زبان تلخ روزنامه‌نگاران را نمی‌دانند که اگر می‌دانستند، امروز به خاطر فساد اداری و نازضاتی‌های بزرگ، شرمند و سرافکنده نمی‌شدند. برای روزنامه‌نگاران ایران، ستیز و درگیری در دو جبهه، فرساینده و عذاب‌آور است، اما هرکسی پای بر این کار می‌نهد، با جان و دل پذیرای آن شده است.

اصول‌بین‌المللی اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری که پاییز سال ۱۹۸۳ در پاریس تصویب شد، به عنوان سنگ پایه قوانین اخلاقی، ۱۰ اصل را مورد تأکید قرار داده که اصل اول، حق مردم در دستیابی به اطلاعات تحقیقی است. مردم و افراد حق دارند از طریق اطلاعات دقیق و جامع به تصویری عینی از واقعیت دست یابند. در اصل دوم آمده که بارزترین وظیفه روزنامه‌نگار این است که با وقف صادقانه خویش نسبت به واقعیت عینی، خود را در خدمت حق مردم در راه دستیابی به اطلاعات حقیقی در اصل سوم، مسئولیت اجتماعی روزنامه‌نگار مورد تأکید است و بیان شده که

اطلاعات در روزنامه‌نگاری، نه یک کالا که یک «خبر اجتماعی» است و این امر به این معناست که روزنامه‌نگار در مسئولیت انتقال اطلاعات سهیم است و لذا نهنتها در برابر کسانی که رسانه‌ها را کنترل می‌کنند، بلکه نهایتا در برابر مردم به طور کل و مشتمل بر انواع منافع اجتماعی، باید پاسخ‌گو باشد. مسئولیت اجتماعی روزنامه‌نگار، وی را ملزم می‌کند که تحت هر شرایطی همسو با وجدان اخلاقی خود عمل کند. اصل چهارم، شرافت حرفه‌ای روزنامه‌نگار است. نقش اجتماعی روزنامه‌نگار اقتضا می‌کند که معیارهای عالی شرافت در این حرفه، مشتمل بر حق روزنامه‌نگار برای خودداری از کار برخلاف اعتقاد شخصی، حق عدم افشای منبع اطلاعات و همچنین حق شرکت در روند تصمیم‌گیری در رسانه‌ای که برای آن کار می‌کند، محفوظ بماند. در اصل پنجم، دسترسی همگانی و مشارکت بیان شده و در اصل ششم، احترام به حریم خصوصی و شئون انسانی مورد بحث است. اصل هفتم، احترام به منافع عمومی و اصل هشتم درباره احترام به ارزش‌های جهانی است و نوع فرهنگ‌هاست و در اصل دهم، ارتقای نظم نوین‌ اطلاعاتی و ارتباطی جهانی آمده است.

اگر منظور دولت از تعیین بودجه برای فرهنگ‌سازی فروش اموال عمومی مازاد، پول‌باشی برای همراه‌کردن رسانه‌ها و افکار عمومی و ویژه‌خواری نیست، بهتر است با به‌رسمیت‌شناختن اصول حرفه‌ای بین‌المللی روزنامه‌نگاری، برادری خود را رسانه‌های مستقل ثابت کند و البته که راه تحسین قلوب و دلجویی، آزادکردن خبرنگاران و روزنامه‌نگاران زندانی است. همچنین دولت، فضای فعالیت برای رسانه‌های مستقل را تنگ نکند و حامی روزنامه‌نگاران منتقد و آزاده و پذیرای نقد و نظرشان باشد. روزنامه‌نگاران هم مرعوب قدرت نشوند و همه تضییقات، محدودیت‌ها، تهدیدها و آزرده‌شدن‌ها را به جان بخرند و با شرافت و شجاعت، حرف دل مردم را با سربلندی بیان کنند. سرنوشت ما همین است؛ جان‌فدای مردم باشیم.

صنف

احکام طولانی برای روزنامه‌نگاران

پیش از آغاز اعتراضات تعدادی از روزنامه‌نگاران به دلیل فعالیت‌های مطبوعاتی حکم‌های طولانی‌مدت دریافت کرده بودند و برای گذراندن حکم خود روانه زندان شده‌اند. در این میان «کیوان صمیمی» روزنامه‌نگار قدیمی به‌تازگی پس از پایان حکمش آزاد شد.

«خسرو صادقی بروجنی»، روزنامه‌نگار آزاد و پژوهشگر، از مرداد سال ۹۹ دوران محکومیت پنج‌ساله خود را در زندان اوین سپری می‌کند. «مرتضی حق‌بیان»، روزنامه‌نگار از ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۱ جهت سپری کردن دوران محکومیت دو سال و شش‌ماهه خود به زندان مرکزی سنجح منتقل شد. «عالیه‌مطلب‌زاده»، روزنامه‌نگار، مستندساز و نایب‌رئیس انجمن «دفاع از آزادی مطبوعات» ۲۳ فروردین ۱۴۰۱ برای اجرای حکم سه سال حبس به زندان اوین منتقل شد.

همچنین حکم یک سال زندان «کامیار فکور»، خبرنگار سایت خبرآنلاین که در اعتراضات اخیر بازداشت شده بود، به اجرا درآمده است. این روزنامه‌نگار و ترانه‌سرا بابت اتهامات «تبلیغ علیه نظام» و «اجتماع و تبانی به قصد برهم‌زدن امنیت ملی» که سه سال گذشته و به‌خاطر فعالیت‌های هنری‌اش محکوم شده بود، برای اجرای حکم یک سال زندان به بند ۸ زندان اوین منتقل شده است. «کامیار فکور» و همسرش «سورناز احمدی» در ۱۵ آبان‌ماه در جریان اعتراضات بازداشت شده بودند. همچنین «امیرعباس آزرموند» روزنامه‌نگار حوزه کارگری، از اسفندماه ۱۴۰۰ در جریان تجمعی به مناسبت روز جهانی زنان بازداشت و برای اجرای حکم سه سال و هفت ماه خود روانه زندان اوین شده است. آزرموند، پس از آتش‌سوزی در زندان اوین به زندان رجایی‌شهر کرج منتقل شده است.

البته پس از اعتراضات، بازداشت چند روزنامه‌نگار منجر به اجرای حکم زندان آنان شد ازجمله ویدا ربانی. این روزنامه‌نگار که دانش‌آموخته علوم سیاسی است، چند روز پس از اعتراضات در منزل خود دستگیر شد و طبق مادرش به رئیس قوه قضائیه اکنون با ۱۱ حبس که پنج سال آن لازم‌الاجراست، روبه‌رو شده است. علاوه بر این روزنامه‌نگاران، ۲۳ روزنامه‌نگار نیز پس از اعتراضات بازداشت شده‌اند و هنوز امکان آزادی آنها فراهم نشده است.



● مرحله اول حقایه به میزان ۳۰ میلیون مترمکعب وارد تالاب بختگان شد. این تالاب دومین و مهم‌ترین تالاب بزرگ کشور است که بین شهرستان‌های خرامه، استهبان، نیریزو بخشی از ارسنجان واقع شده است.

عکس: امین برنج‌کار، مهر

سینماخوانی

قاجاق آزادی

به‌تازگی در جشنواره ساندنس مستندی درباره کره‌شمالی اکران شد که سبب شد رسانه‌های مختلف جهان درباره آن بنویسند. فیلمی با نام «فراتر از آرمان‌شهر – اوتیوه» که درباره فرار از «کره‌شمالی» با کمک یک کشیش است، هرچند این مستند چندان نتوانسته نظر منتقدان را در اِپندی‌وایر، لس‌آنجلس‌تایمز، نیویورک‌تایمز و… جلب کند اما به دلیل استفاده از تصاویر واقعی، مورد استقبال قرار گرفته است.

به نظر منتقد اِپندی‌وایر مستندی که «مادلین گاوین» به عنوان کارگردان ساخته، آشفته و نابسامان است، اما تصاویر واقعی آن توانسته پوششی برای این کمبود باشد. کریستین زایک نوشته است: «کسانی که با کشیش «ستونگ کیم» برخورد می‌کنند گمان نمی‌برند که او یکی از برترین عوامل ژئوپلیتیک مخفی جهان است. این مرد کره‌ای خوش‌زبان یک کشیش توانمند است. در طول دهه گذشته، او به بیش از هزار نفر از مردم کره‌شمالی کمک کرده تا بتوانند به سوی آزادی فرار کنند؛ شاهکاری شگفت‌انگیز! همین سبب می‌شود که دیدن «فراتر از آرمان‌شهر» برای همه واجب باشد. کشیش کیم با استفاده از ارتباطات خود با دلان، مأموران دولت، پلیس‌های فاسد و خانه‌های امن، راهی را برنامه‌ریزی کرده است که فراریان کره‌شمالی را از کشورشان فراری می‌دهد و آنان را طی سفری سخت و طاقت‌فرسا از طریق چین، ویتنام و لاوس به تایلند منتقل می‌کند. «فراتر از آرمان‌شهر»، درباره یکی از آخرین چالش‌های کشیش کیم است: در این چالش او قرار

است یک خانواده کامل ازجمله بچه‌های پیش‌دبستانی و یک مادر بزرگ مسن را به خارج از کره‌شمالی منتقل کند. این اتفاق بدون حتی یک تلفات رخ می‌دهد که نشان‌دهنده شاهکار فردی نابغه به همراه پشتکار انسانی است. چالشی که شاید حتی بعد از دیدن فیلم قانع نشودید که این اتفاق به صورت واقعی رخ داده است». منتقد این نشریه در بخش دیگری از این مطلب می‌نویسد: «بر کسی پوشیده نیست که در کره‌شمالی چه می‌گذرد، اما غربی‌ها به راحتی فراموش می‌کنند که رژیم این کشور واقعا چقدر مستحکم است. همه از تبلیغات وحشتناک و کودکان گرسنه این کشور می‌دانند، اما انزوای این کشور معمولا اتفاقات آن را از اخبار دور نگه می‌دارد، مگر اینکه شایعاتی درباره پرتاب موشک وجود داشته باشد. توجه ما معمولا جاهای دیگری است. به تهاجم بی‌دلیل روسیه به اوکراین، نادیده‌گرفتن گناهان ولادیمیر پوتین و تجارت شرکت‌های آمریکایی با چین در عین بی‌توجهی به نسل‌کشی اویغورها تا توجه به جنایات ارتش کم‌چونگ اون. شهروندان این کشور مجبورند در شرایط غیرقابل‌تصوری از فقر زندگی کنند – بسیاری از آنها با معادل دو دلار در ماه زنده می‌مانند– به طوری که تمام منابع کشور در پروژه‌های تسلیحاتی سرمایه‌گذاری می‌شود. نیروهای نظامی که تلاش می‌کنند تا کیم جونگ اون را به هر قیمتی در قدرت نگه دارند و هرکسی را که تلاش می‌کند از کشور فرار کند هدف قرار می‌دهند. مقامات پلیس و ارتش تشویق می‌شوند با هرکسی که به دنبال زندگی بهتر است، بی‌رحم باشند و به ازای هر فراری که بتوانند بکشند، پاداش دریافت می‌کنند. با وجود این شرایط سخت، «کشیش کیم» نتوانسته است شکاف‌های کافی در سیستم پیدا کند تا به مشتریان بارقه‌ای از امید ارائه دهد. او با شبکه‌ای از کارگزاران در کره‌شمالی کار می‌کند که شهروندان را با قیمت مناسب به نیای خارج متصل می‌کند. تعداد بسیار کمی دارای سرویس تلفن همراه هستند، آن هم در شرایطی که حتی داشتن تلفن همراه و استفاده از اینترنت‌شان غیرقانونی است، اما مردم هر کاری که لازم باشد برای داشتن فرصت برای آزادی انجام می‌دهند». به نوشته منتقد نیویورک‌تایمز، یادداشت‌های ابتدای فیلم توضیح می‌دهند که این فیلم از منابع مختلفی می‌آید –هیون سووک کیم فیلم‌بردار فیلم است– اما تأکید شده است که این پروژه فاقد بازسازی است. فیلم دقیقا شبیه چیزی است که هست؛ گام اول تلاش برای ثبت اطلاعات و ساختن فیلم در مرحله دوم. با این حال سازندگان فیلم تلاش بسیاری برای این کار کردند، به‌خصوص سسکانس‌هایی که خانواده فراری در آن حضور داشتند، هر‌زمان صمیمی و غم‌انگیز بود. اما شاید تماشای اولین مواجهه مادر بزرگ و کودکان با دنیای آزاد، حیرت‌انگیز بود. در نهایت فیلم سعی نکرده سراغ این سؤال تکراری همیشگی برود که «چرا کره‌شمالی بد است» اما خوب با استفاده از صحبت‌های کارشناسان از منظر تاریخی به این موضوع پرداخته است. پس از برقراری اولین تماس است که کشیش کیم برنامه‌ریزی سفر را شروع می‌کند و در حالی که کره‌جنوبی مقصد مورد نظر اکثر فراریان است، عبور از منطقه پر از مین غیرممکن به نظر می‌رسد. اما کشیش «کیم» با ناوگانی از ون‌ها، هواپیماها و قایق‌ها می‌تواند خانواده‌ها را از خانه‌ای به خانه امن دیگر قاچاق کند، اما آنها همچنان مجبورند بخشی از مسیر را با پای پیاده بروند. دیگر منتقدان سینمایی معتقدند این فیلم فرصتی بود که از دست رفته است و کارگردان به خوبی نتوانست از آنچه دارد ازجمله فیلم‌هایی که خود افراد در طول سفرشان گرفته‌اند، استفاده بکند. هرچند از نظر منتقدی که برای سایت جشنواره ساندنس نوشته است، «لحظاتی هم در طول فیلم پیش می‌آید که احساس می‌شود فیلم از مستندهای معمولی فراتر می‌رود و به چیزی بزرگ‌تر تبدیل می‌شود. مگر چند بار برای یک بیننده اتفاق می‌افتد که شاهد باشد زنی ۸۰ساله در دل شب از کوهی پوشیده از درخت بالا می‌رود در حالی که سگ‌های نظامی در پس‌زمینه پارس می‌کنند یا مادری را ببینند که برای اولین بار میوه‌ها و گل‌ها را به دخترش نشان می‌دهد و اشک می‌ریزد».